

مطالعه تغییر نام خانوادگی زنان پس از ازدواج در حقوق ایران و آمریکا^۱

عباس میرشکاری^۲

سید جواد فراهانی^۳

چکیده

داشتن استقلال در نام یکی از نمورها و نمادهای استقلال در شخصیت است؛ زیرا شخص مستقل دارای نام مستقل نیز هست. از این دیدگاه، در هر دو نظام حقوقی ایران و آمریکا، تلاش بر این است که حق زنان بر داشتن نام خانوادگی مستقل، به عنوان بخشی از هویت فردی به رسمیت شناخته شود؛ اما همیشه این گونه نبوده است؛ در نظام حقوقی آمریکا تا دهه هفتاد قرن بیستم، نام زن پس از ازدواج، ناگزیر به نام خانوادگی شوهر تغییر می‌یافت. در نظام حقوقی ما نیز اگرچه قانوناً هیچ‌گاه نام زن به اجبار به نام شوهرش تغییر نیافت؛ اما تا سال ۱۳۵۵، شوهر نام خانوادگی خانواده (و از جمله همسرش) را انتخاب می‌کرد. به هر حال، هر دو نظام دچار دگردیسی شده‌اند؛ آمریکا در آغاز دهه هفتاد پذیرفت که زن پس از ازدواج آزاد است که اگر بخواهد نامش را به نام خانوادگی شوهرش تغییر دهد. در ایران نیز پس از آن که همگان نام خانوادگی یافتند، دیگر نشانی از تحمیل و اجبار دیده شد. همچنین، هر دو نظام حقوقی، امکان اختیار نام خانوادگی همسر برای زنان را با رنگوبوی یک حق قانونی و دست‌کم امتیاز ویژه زنان تدارک دیده‌اند تا استقلال زنان حفظ گردد. این مقاله با رویکردی تطبیقی، رژیم حاکم بر تغییر نام خانوادگی زنان پس از ازدواج را در دو نظام حقوقی ایران و آمریکا بررسی می‌کند.

واژگان کلیدی

حقوق زنان، حق برخورداری از نام خانوادگی، حق تغییر نام خانوادگی، برابری حقوقی، حق

داشتن هویت مستقل

۱- تاریخ دریافت مقاله ۱۳۹۳/۷/۵؛ تاریخ پذیرش نهایی ۱۳۹۴/۲/۱۹

۲- استادیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه علم و فرهنگ

۳- کارشناسی ارشد حقوق بشر دانشگاه تهران

mirshekariabbas1@gmail.com

javadfahani15@gmail.com

مقدمه

در نظام‌های حقوقی ایران و آمریکا، به حق برخورداری از نام کوچک و خانوادگی مستقل به عنوان بخشی از حقوق مدنی شخص و نیز به عنوان نشانه‌ای از استقلال و هویت فردی انسانی پرداخته شده است (میرشکاری، ۱۳۹۰، ص ۸۱: Spencer, 1973, P665-667). موضوع استقلال، به طور ویژه درباره نام خانوادگی زنان محل بحث و بررسی جدی قرار گرفته است؛ زیرا وقتی در سنت‌های حقوقی نظام‌های پیش‌گفته استقلال زنان پس از ازدواج از جهات مختلف (مانند تابعیت، اقامتگاه و شغل) در معرض تردید قرار می‌گیرد، آیا می‌توان گفت از جهت نام همچنان مستقل خواهند بود؟ جالب آن‌که صرف‌نظر از پاره‌ای تفاوت‌ها، گرایش نخست هر دو نظام حقوقی، به سمت این بوده است که زن مکلف به پذیرش نام خانوادگی شوهرش شود. در توجیه این تحمیل، به طور سنتی گاه به عرف و هنجارهای جامعه استناد شده است و گاه به لزوم حفظ وحدت در خانواده و اهمیت اخلاقی نگهداری پیشینه تاریخی خانواده‌ها. با این حال، هر دو نظام، در پناه ارزش‌هایی همچون استقلال زنان، حقوق و آزادی‌های فردی و نیز برابری زنان و مردان در پیشگاه قانون، در تحولی تدریجی، این تکلیف و اجبار را به تاریخ سپرده‌اند؛ البته در هر دو نظام، در کنار پذیرش قواعد فوق در ارتباط با نام و نشان زنان، به عنوان استثنا نیز مقرر گردیده است که زنان حق دارند در صورت تمایل خویش، بدون نیاز به تشریفات قضایی مرسوم مرتبط با تغییر نام خانوادگی، پس از ازدواج، نام خانوادگی شوهر خویش را اختیار کنند (میرشکاری، ۱۳۹۰، ص ۸۱: Goldin and shim, 2004, Pp.143-145).

شناسایی و تضمین این حق برای زنان، بدون آن‌که بدیل آن برای مردان وجود داشته باشد، نوعی حمایت مضاعف از زنان و اعمال تبعیض مثبت به نفع ایشان تلقی گردیده است. توضیح آن‌که در هر دو نظام حقوقی، قانون‌گذار، در کنار این‌که نظم آرمانی خویش را با فرض برابری زنان و مردان و حقوق آن‌ها باز می‌نماید، با درکی از واقعیت‌های اجتماعی مربوط به وابستگی مالی و حقوقی بسیاری از زنان به شوهران خویش، و امتیازاتی که احتمالاً در بعضی موارد، با برخورداری از نام خانوادگی شوهر ممکن است نصیب زنان شود، این آزادی را به آن‌ها داده است تا حسب صلاحدید خویش درباره «حفظ» نام پیشین یا

«اختیار» نام خانوادگی شوهر تصمیم بگیرند (Lamber, 1973, P.779-783) اختیاری که استفاده از آن به دلایل خاصی، که در این مقاله تا حدودی بازنمایی می‌شود، در آمریکا بسیار گسترده و تقریباً فراگیر شده است. حال آن‌که در نظام ایران چندان با اقبال عرف ایرانیان و نظم خانوادگی آن‌ها مواجه نگردیده است.

این مقاله سعی می‌کند چالش‌های تازه‌ای را در نحوه تضمین حقوق، برابری و خودمختاری زنان درون نظام ثبت احوال شخصیه بازنمایی کند و به ویژه با دیدی تطبیقی و با تطبیق تاملات نویسندگان نظام آمریکایی با ابعاد نوپای نظام ثبت احوال ایرانی افق‌های تازه‌ای را بگشاید. این مطالعه، افزون بر آن‌که می‌تواند سبب تقویت ادبیات حقوقی در حوزه حقوق ثبت احوال شود، از جهت تعمق بیشتر در مفهوم استقلال زنان از مردان (از جهت نام خانوادگی) نیز می‌تواند قابل توجه باشد؛ به ویژه اگر سوابق سیاه تبعیض جنسیتی و نیز جایگاه نابرابر و تحت پوشش زنان را در تاریخ نهاد حقوقی ازدواج به خاطر آوریم. (Frantina, 2009, P.155-169; Snyder, 2009, P.563). بدین ترتیب، بررسی این موضوع، به نحوی تاریخ تحول نظام‌های حقوقی و از جمله تاریخ جنبش‌های حقوقی زنان را نیز منعکس می‌کند (Ritterbusch, 1999, P.282-283).

در مقاله حاضر، تحولات تاریخی هر دو نظام و مبانی و شرایط تغییر نام زنان بررسی می‌شود. افزون بر این، نیم‌نگاهی نیز به امکان تغییر نام خانوادگی مردان به عمل می‌آید.

پیشینه تاریخی؛ از تکلیف تا حق

الف - در حقوق آمریکا

در جوامع نخستین، نام کوچک برای تشخیص هویت اشخاص بس بود؛ زیرا جمعیت اندک بود و گستره ارتباطات میان اشخاص محدود بود. برای همین و به ویژه زمانی که ثبت احوال شخصیه اشخاص اجباری شد، این نیاز احساس شد که به نام کوچک، دنباله‌ای افزوده شود؛ این دنباله، «نام خانوادگی» نام گرفت (Lamber, 1973, P.780).

در ابتدا، نام خانوادگی، بر اساس شغل اشخاص، نام پدر و یا مکان زندگی تعیین می‌شد؛ دقیقاً همین نکته در نام خانوادگی زنان اثر گذاشت؛ زنان عموماً، دارای شغل نبودند و خانه

مستقلی نداشتند و در خانه همسران یا پدرانشان زندگی می‌کردند، برای همین، نام خانوادگی‌شان بر اساس شغل یا مکان زندگی همسرانشان تعیین می‌شد (Sigel, 2002, p.947; Ritterbusch, 1999, P.281-282).

این پیشینه تاریخی سبب شکل‌گیری یک قاعده عرفی شد: نام خانوادگی زنان، پس از ازدواج، باید به نام خانوادگی شوهرانشان تغییر کند. اندک‌اندک و از اواخر قرن نوزدهم، این قاعده عرفی به یک قاعده حقوقی الزام‌آور تبدیل شد؛ قاعده‌ای که به صرف ازدواج و بدون توجه به اراده اشخاص، اجرا می‌شد.

البته در توجیه این تحمیل، استدلال می‌شد که بدین وسیله زن می‌تواند از حقوق سیاسی مانند رای دادن و یا حقوق مدنی مثل رانندگی، به نحوی که عرفاً با مبانی خانوادگی متناسب باشد، برخوردار شود (Ritterbusch, 1999, P.283). افزون بر این، وقتی که زن و شوهر و پس از آن، فرزندان از نام واحدی برخوردار باشند، انسجام و وحدت در خانواده حفظ می‌گردد (Leissner, 2005, P.285; Rosensoft, 2002, P.201). این تحمیل و اجبار، در هیچ قانونی درج نشده بود، بلکه تنها یک عرف بود؛ عرفی که کم‌کم در نظم حقوقی آمریکایی و در ایالات گوناگون صورت‌بندی شد و اساس شیوه‌های اجرایی و اداری مرتبط با قوانین قرار گرفت. اما اندک‌اندک و با تاثیرپذیری از جنبش‌های برابری‌طلبانه میان حقوق زن و مرد، زنان از پذیرش این عرف خودداری کردند تا بدین وسیله هویت مستقل خود را حفظ کنند (Kelly, 1992, P.227-231; Rosensoft, 2002, P.200; Frandina, 2009, P.165).

پرسش اساسی این بود که اگر دلیل این تحمیل و اجبار، حفظ انسجام خانواده است، چرا زنان باید با از دست دادن نام خویش، هزینه وحدت و انسجام در خانواده را بپردازند؟ (Snyder, 2009, P.576) متعاقباً رویه قضایی نیز از آغاز دهه هفتاد قرن بیستم، در پاسخ به فشارها و درخواست‌های اجتماعی، زنان را در پذیرش یا عدم پذیرش نام همسر، آزاد دانست (Emens, 2007, P.763) در توجیه این آزادی، استدلال می‌شد که تحمیل نام همسر به زن در هیچ قانونی نوشته نشده است؛ بلکه یک عرف بوده که اینک با تغییر شرایط زمانی و با تقویت استقلال و خودمختاری زنان و برخورداری آن‌ها از

حقوق و آزادی‌های فردی و در پرتو برابری همه شهروندان در پیشگاه قانون تغییر کرده است (Gorence, 1976, P.876).

بدین ترتیب و در وضعیت کنونی، زن پس از ازدواج می‌تواند به جای نام خانوادگی خویش از نام خانوادگی شوهر استفاده کند. البته در عمل، امروزه اکثریت گسترده‌ای از زنان پس از ازدواج به تغییر نام خانوادگی خود و انتخاب نام خانوادگی شوهر روی می‌آورند؛ اما این بار نه به خاطر تکلیف به تغییر نام، بلکه به عنوان حق تغییر نام به نام خانوادگی شوهر (Snyder, 2009, P.565; Rosensaft, 2002, P.193-194).

ب- در حقوق ایران

نخستین بار اجبار به انتخاب و استفاده از نام خانوادگی با تصویب‌نامه ثبت احوال مصوب سال ۱۲۹۷ آغاز شد. به موجب ماده سه این تصویب‌نامه (که با چهل و یک ماده در نشست روز پنجشنبه بیستم سنبله ۱۲۹۷ برابر با پنجم ذیحجه ۱۳۳۶ هجری قمری در هیات وزیران قرائت و تصویب و مسؤولیت اجرای آن به عهده دو وزارت داخله و عدلیه گذاشته شد)، «هر رئیس خانواده باید برای خانواده خود نام مخصوصی اختیار نماید که پس از اظهار رسمی، آن نام به خود او و به هر یک از خانواده او تعلق گرفته، به همان نام منسوب خواهند گردید»^۱. بدین ترتیب، رئیس خانواده، نام خانوادگی خانواده خویش و بالتبع، اعضای آن را مشخص می‌کرد. در نتیجه، نام خانوادگی منتخب مرد به زن نیز تحمیل می‌شد. البته تنها در همان زمان، یعنی زمانی که انتخاب نام خانوادگی معمول نبود و قانون‌گذار درصدد اجبار مردم به استفاده از نام خانوادگی بود، می‌توان چنین تحمیلی را دید. در واقع، براساس ماده چهارم قانون سجل احوال مصوب ۱۴ خرداد ماه ۱۳۰۴ شمسی، «هر شخص باید برای خود اسم مخصوص انتخاب کند. زوجه ... به آن اسم مخصوص که نام خانوادگی است، موسوم خواهند بود». در ماده سوم قانون سجل احوال مصوب ۲۰ مرداد ماه ۱۳۰۷ شمسی نیز همین مضمون تکرار شده است.

۱- برای تحلیل مفهوم و تاریخ نام خانوادگی، رک: میرشکاری، ۱۳۹۰، ص ۱۴؛ همو، ۱۳۹۳، ص ۲

ماده ۳۸ قانون اصلاح قانون ثبت احوال مصوب ۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۱۹ نیز تغییر چندانی با قوانین پیشین نداشت؛ با این تفاوت که در قانون مزبور حکم دیگری نیز پیش‌بینی شد. در ماده ۴۳ این قانون می‌خوانیم: «هرگاه بین زن و شوهر تفریق قانونی واقع شود بقاء به نام خانوادگی شوهر برای زن منوط به اجازه شوهر است و در صورتی که شوهر نام خانوادگی زن را اختیار کرده باشد بقاء نام مزبور برای شوهر پس از تفریق منوط به اجازه زن است».

اما بعد از قانون مزبور، دیگر شاهد چنان تحمیلی نیستیم؛ زیرا با توجه به گسترش استفاده از نام خانوادگی، دیگر همه اشخاص نام خانوادگی داشتند. در آخرین اقدام قانون‌گذاری نیز در ماده ۴۲ قانون ثبت احوال (مصوب ۱۳۵۵) مقرر شد: «زوجه می‌تواند با موافقت همسر خود تا زمانی که در قید زوجیت می‌باشد، از نام خانوادگی همسر خود بدون رعایت حق تقدم استفاده کند و در صورت طلاق ادامه استفاده از نام خانوادگی موکول به اجازه همسر خواهد بود». بدین ترتیب، زن پس از ازدواج حق دارد تا از نام خانوادگی همسرش استفاده کند و یا به استفاده از نام خویش ادامه دهد. به این ماده، در مباحث پیش‌رو، بیشتر پرداخته خواهد شد.

مقایسه سیر تاریخی نظام‌های حقوقی آمریکا و ایران

در نظام حقوقی آمریکا، زنان مکلف بودند پس از ازدواج نام خویش را به نام خانوادگی شوهر تغییر دهند؛ اما به تدریج و در سیری تاریخی، این تکلیف به یک حق و اختیار قانونی تغییر شکل داد. در نظام حقوقی ایران نیز در هنگام آغاز ترویج نام خانوادگی، نام خانوادگی زنان همان نامی بود که شوهر برای خویش انتخاب کرده بود؛ اما ایرانیان نیز اندک اندک پذیرفتند که زنان آزادند نام خانوادگی پیشین خود را حفظ کنند یا به نام شوهر تغییر نام دهند. در ظاهر، سیر تاریخی هر دو نظام مورد مطالعه، حرکت از سمت تکلیف به سوی حق به تغییر نام است؛ اما یک نکته را نباید از یاد برد: در نظام حقوقی آمریکا، زنان پیش از ازدواج، نام خانوادگی داشتند و پس از ازدواج، این نام، به صورت تکلیفی به نام شوهر تغییر می‌یافت؛ در حالی که در نظام حقوقی ایران، در زمانی که سخن از تکلیف رفت

زنان نام خانوادگی نداشتند. برای انتخاب نیز قانون‌گذار می‌توانست آن‌ها را آزاد بگذارد تا نام دلخواه خویش را انتخاب کنند یا آن‌که نام خانواده اصلی‌شان و یا نام خانوادگی شوهر را بر آن‌ها تحمیل کند؛ از میان این گزینه‌ها، قانون‌گذار گزینه آخر را انتخاب کرد؛ بدین نحو که نام خانوادگی زن همان نامی شود که مرد برای خانواده‌اش انتخاب کرده است تا احتمالاً از این طریق، وحدت خانوادگی مطلوب قانون‌گذار حفظ شود.

مبنای تغییر نام خانوادگی

برای توضیح مبنای تغییر (خواه به طور قهری، خواه به طور اختیاری) دلایلی اقامه شده است که در این بند به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

الف - عدم استقلال زن

چرایی تغییر نام خانوادگی زن به نام خانوادگی مرد را باید در پیشینه تاریخی قواعد سنتی نکاح جست‌وجو کرد؛ در نظام حقوقی آمریکا، وقتی مردی با زنی ازدواج می‌کرد، آن زن از موجودیت حقوقی مستقل خود محروم می‌شد و هویت حقوقی وی در هویت همسرش ممزوج می‌گشت. نکاح نوعی پوشش و حفاظت شمرده می‌شد و در واقع زن شوهردار به نوحی در پوشش شوهر خود جای می‌گرفت
(Snyder, 2009, P.563; Emens, 2007, P.771).

در همین راستا بود که زوج، حقوق مرتبط با اموال زوجه را به دست می‌آورد و در ارتباط با پاره‌ای از جرایم زوجه نیز مسئول شناخته می‌شد
(Siegel, 2002, P.985-987; Coquillet, 2007, P.317-320).

نتیجه اعمال این قواعد در حقوق ثبت احوال، اگر چیزی جز تحمیل نام شوهر به زن باشد، جای شگفتی خواهد بود. در مسیر همین تحلیل و با توجه به تحول قواعد نظام حقوقی آمریکا در حوزه نکاح به سمت حفظ استقلال زنان پس از ازدواج، در حقوق ثبت احوال نیز پذیرفته شد که زن پس از ازدواج، حق داشته باشد به نام خانوادگی شوهر، تغییر نام دهد. در واقع، با پذیرش عدم امتزاج شخصیت حقوقی زن با شخصیت شوهر و عدم انحلال حقوق مالی و غیر مالی او در موقعیت حقوقی زوج، در زمینه نام خانوادگی

نیز باید استقلال زنان را پاس داشت (Doll, 1992, P.236-244).

در نظام حقوقی ایران نیز شاید این مبنا قابل بهره‌برداری باشد؛ زیرا همان‌گونه که اقامتگاه و تابعیت زن، همان اقامتگاه و تابعیت شوهرش است، نام خانوادگی زن نیز در نتیجه منطقی همین سخن، باید تابع نام خانوادگی شوهر باشد. این استدلال، در جای خویش، ممکن است کاربرد داشته باشد؛ اما از این نیز نباید گذشت که در نظام حقوقی ایران، از ابتدا پذیرفته می‌شود که زن در اموال خویش مستقل است (ماده ۱۱۱۸ ق.م.ا). با توجه به این پذیرش استقلال، استناد به «عدم استقلال زن» به عنوان مبنای تغییر نام زن به نام شوهر در نظام حقوقی ما دشوار خواهد بود.

ب - حفظ پیشینه تاریخی خانواده‌ها

در نظام حقوقی آمریکا، در توجیه تغییر نام زنان بر اثر ازدواج، به لزوم حفظ پیشینه تاریخی خانواده‌ها استناد می‌شود؛ در واقع، بر این باورند که با تغییر نام خانوادگی زن به نام خانوادگی مرد، سابقه تاریخی خانواده‌ها حفظ می‌شود؛ شاید این مبنا در نگاه نخست، با تمایل باطنی انسان‌ها نیز سازگار باشد؛ چه بسیاری از مردمان علاقه‌مند هستند که به تاریخ خانوادگی خود متصل باشند و نامی را با اعضای خانواده نسبی و سببی خود به اشتراک بگذارند (Snyder, 2009, P.583)؛ اما این مبنا شاید بتواند دلیل تسری نام خانوادگی مرد به فرزندان را توجیه کند، اما درباره توجیه تغییر نام زن به نام مرد ناتوان است. افزون بر این، زنان نیز به اندازه مردان، تاریخ و تبار خانوادگی دارند و اصرار بر انتخاب نام خانوادگی مردان تنها نیمی از تبار خانوادگی و شجره‌نامه را باز می‌نماید. از این رو، استدلال مزبور در پاسخ به این‌که چرا نام اصلی و ذاتی باید نام خانوادگی شوهران باشد، ناتمام و ناکارآمد می‌ماند (Emens, 2007, P.809).

ج - حفظ وحدت خانواده

دسته‌ای از نویسندگان، لزوم حفاظت از وحدت خانوادگی را به عنوان مبنای تکلیف زن به تغییر نام وی به نام شوهر یاد کرده‌اند (Rosensaft, 2002, P.201-202). این استدلال،

اگرچه بر پایه ارزشی پذیرفتنی بنیان شده اما ناتوان است تا توضیح دهد که چرا خانواده نمی‌تواند نام خانوادگی نخستین مادر را به عنوان نام خانوادگی همه خانواده انتخاب کند (Snyder, 2009, P.576). در پاسخ به این پرسش، برخی به عرف متوسل شده‌اند: عرف بر این است که به طور سنتی نام خانوادگی شوهر به عنوان نام خانوادگی خانواده استفاده شود. این استدلال که در نظام آمریکا برخلاف اصل برابری زنان و مردان دانسته شده است (Weiner, 1997, P.1737-1740) شاید در نظام حقوقی ما قابل دفاع باشد.

د- هنجارهای جامعه

برخی دیگر به بررسی عرف جامعه روی می‌آورند: به طور تاریخی زنان نام خانوادگی خود را پس از ازدواج تغییر می‌دادند و مردان نام خانوادگی خود را حفظ می‌کردند. در حقیقت، زنان با توقع تغییر نام خانوادگی پس از ازدواج رشد می‌کنند، حال آن‌که در مورد مردان چنین توقعی در فرایند رشد مطرح نیست (Emens, 2007, P.780-787; Twenge, 1997, P.417-425).

این پیش‌فرض از طریق رسانه‌های جمعی، والدین و نیز تجربیات روزمره در ارتباط با همسالان تقویت می‌گردد. فشارهای اجتماعی و نیز پاره‌ای از تضییقات و تحدیدات اداری نیز زنان را وادار به انتخاب نام خانوادگی همسر پس از ازدواج می‌کند (Snyder, 2009, Pp.580-581; Twenge, 1997, Pp.420-425).

این مبنای عرفی، به تدریج لباس حقوق پوشیده و به عنوان یک قاعده حقوقی جلوه‌گر شده است؛ اما حقیقت این است که عرف خود یک منبع به شمار می‌آید نه یک مبنا (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ص ۱۱۹). در واقع، باید در پی این بود که چرا عرف به سمت و سوی تغییر نام خانوادگی زن پیش رفته است؟ همچنین، عرف به خودی خود نباید به عنوان یک دلیل متقاعد کننده در نظر گرفته شود؛ زیرا اگر قرار بود عرف به تنهایی مبنای کنترل ایده‌های مرتبط با حمایت قانونی برابر از همه شهروندان قرار گیرد، آن گاه قوانین مرتبط با ممنوعیت ازدواج بین نژادها و بسیاری از دیگر قوانین تبعیض‌آمیز کماکان معتبر و بی‌تغییر باقی مانده بود (Leissner, 1997, P.253-255).

ه- نتیجه: انتخاب مبنا

به گمان نگارندگان مقاله حاضر، هیچ‌یک از مبانی گفته شده از قوت و اعتبار لازم برخوردار نیستند که بتوانند تغییر نام زن به نام مرد را توجیه کنند، شاید برای همین است که امروزه اجبار زن به تغییر نام خانوادگی خویش با رویکردی منفی دیده می‌شود؛ حتی آن‌جا که زن آزاد شمرده می‌شود تا خود درباره نام خانوادگی خودش تصمیم بگیرد، باز، همان رویکرد منفی، این اختیار را نوعی برانگیختن زن به سمت تغییر نام خویش برمی‌شمرد.

امکان تغییر نام مرد به نام زن

پرسش این است که آیا همان‌گونه که زن می‌تواند به نام همسرش تغییر نام دهد، آیا این حق متقابلاً برای مردان نیز وجود دارد؟

در نظام حقوقی آمریکا، زنان در تمامی ایالت‌ها حق انتخاب میان حفظ نام خانوادگی نخستین یا اختیار نام خانوادگی همسر خویش را پس از ازدواج دارند؛ اما تنها در هشت ایالت شامل کالیفرنیا، جورجیا، هاوایی، لووا، لوئیزیانا، ماساچوست، نیویورک و داکاتای شمالی، در راستای حفظ برابری میان زنان و مردان، جواز استفاده از نام خانوادگی زوج به شوهر در قوانین داده شده است. در دیگر ایالت‌ها، چنین حقی برای زوج شناخته نشده است (Rosensaft, 2002, P.193-194; Emens, 2007, P.854).

نویسندگان حقوقی از این دیدگاه به شدت انتقاد کرده و آن را بر خلاف محتوای اصلاحیه چهاردهم قانون اساسی ایالات متحده آمریکا مبنی بر لزوم حمایت قانونی برابر از همه‌ی شهروندان دانسته‌اند (Rosensaft, 2002, P.192). به ویژه آن‌که با توجه به عدم شناسایی حق تغییر نام برای مردان، در فرضی که زن و مرد تمایل به اشتراک نام خانوادگی پس از ازدواج داشته باشند، به ناچار به تغییر نام خانوادگی زن روی می‌آورند (Snyder, 2009, P.584).

برخی از نویسندگان، برای جبران کاستی قانون‌گذاری، دادگاه‌ها را برای بررسی درخواست مرد به تغییر نام خویش به نام همسرش صالح می‌دانند؛ اما این راهکار نیز

نتیجه تضمین شده‌ای نخواهد داشت؛ زیرا فرایند رسیدگی قضایی مستلزم صرف هزینه و وقت بیشتر بوده و حتی تحقق نتیجه را نیز تضمین نمی‌کند؛ زیرا به هر حال موضوع تغییر نام به عنوان موضوع مورد رسیدگی قضایی، در صلاحیت ارزیابی و تمییز مرجع صالحه قرار می‌گیرد و قضات ارزیابی‌های مختلفی درباره لزوم اعطای چنین حقی دارند (Rosenshaft, 2002, P.208).

به ویژه آن‌که محتمل است یک قاضی مشخص، اختیار نام خانوادگی زوجه توسط همسرش را خلاف نزاکت و خارج از عرف بداند. در نقطه مقابل، زنان نیازی به طی چنین تشریفات و تحمل چنین ریسک‌هایی ندارند و بدون صرف هزینه اضافه یا عدم اطمینان فوق‌الذکر به تغییر نام خانوادگی می‌پردازند (Snyder, 2009, 5, P.580)؛ تغییر نام زنان به صرف یک اقدام اداری و بی‌آن‌که نیازی به مراجعه به مراجع قضایی داشته باشد، انجام می‌پذیرد؛ این اقدام نه هزینه دارد و نه نیاز به صرف وقت. مهم‌تر از این دو، نتیجه‌ای تضمین شده دارد؛ زیرا مسلماً با یک درخواست و بی‌آن‌که مرجع اداری صلاحیت و اختیار رد آن را داشته باشد، نام زن به نام شوهرش تغییر می‌کند. برخی این رویکرد را به صورت بدبینانه‌ای تحلیل و این پرسش را مطرح کرده‌اند که آیا منظور قانون‌گذار اعمال تبعیض مثبت به نفع زنان بوده یا می‌خواسته است عملاً مشوق‌ها و راهکارهایی برای زنان فراهم کند تا بدون هرگونه الزام حقوقی و صرفاً با توسل به فشارهای اجتماعی و نیز سهولت تغییر نام زن، نام خویش را به نام همسرانشان تغییر دهند؟ در راستای همین تعبیر بدبینانه، تصور می‌شود قانون‌گذار در حریم خصوصی زندگی زوجین دخالت کرده و یکی را به تغییر نام خویش و دیگری را به حفظ نام پیشین تشویق نموده است (Frandina 2009, P.164-165).

برای همین، پاره‌ای از نویسندگان حقوقی این کشور، پیشنهاد داده‌اند که هر ایالت، قوانین خود را به شیوه‌ای اصلاح کند که فرصت برابر تغییر نام خانوادگی را برای مردان نیز مطابق با اصل برابری همه در حقوق و نیز حمایت قانونی برابر از همه پس از ازدواج فراهم سازد (Snyder, 2009, P.585; Emens, 2007, P.856).

در پیشینه نظام حقوقی ایران و در قانون اصلاح قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۱۹/۲/۲۲، قانون‌گذار به این که شوهر نام خانوادگی زن را انتخاب کند نیز پرداخته

بود. به موجب ماده ۴۳ قانون مزبور، «در صورتی که شوهر نام خانوادگی زن را اختیار کرده باشد بقاء نام مزبور برای شوهر پس از تفریق منوط به اجازه زن است». اما قانون ثبت احوال کنونی (مصوب ۱۳۵۵) درباره استفاده شوهر از نام خانوادگی زن ساکت است، با این حال، موضوع تابع قواعد عمومی استفاده از نام خانوادگی دیگری دانسته شده است (ماده ۴۱ ق.ث.ا.؛ میرشکاری، ۱۳۹۰، ص ۱۲۲).

به این ترتیب، قوانین هر دو نظام حقوقی درباره استفاده مردان از نام همسرانشان سکوت کرده‌اند؛ ادبیات حقوقی هر دو کشور نیز به قواعد عمومی ارجاع می‌دهند؛ چنان‌که در یکی به صلاحیت عام دادگاه‌ها استناد می‌کنند و در دیگری به قواعد عمومی استفاده از نام خانوادگی دیگری. این موضع مشترک قابل درک است؛ در واقع، نباید از یاد برد که با وجود همه تلاش‌های انجام گرفته برای حفظ برابری در میان زن و مرد، هنوز در عرف، کمتر تغییر نام خانوادگی مرد به نام همسرش پذیرفته شده و به چنین اقدامی که بنا بر پیش فرض‌های اجتماعی، استقلال و مردانگی شوهر را نادیده می‌گیرد، به دیده سرزنش و ملامت می‌نگرند؛ در نتیجه همین رویکرد عرفی است که قانون‌گذار نیز لزومی برای دخالت و اعلام صریح برابری ندیده است (Scheuble & Johnson, 1995, P.724-727).

شرایط تغییر نام خانوادگی زنان

الف - وقوع و دوام عقد ازدواج

در نظام‌های حقوقی ایران و آمریکا، با وقوع عقد ازدواج، زن از این حق برخوردار می‌گردد که با مراجعه به مراجع ذیصلاح ثبت احوال، به نام خانوادگی شوهرش، تغییر نام دهد و یا همچنان از نام خانوادگی پیشین خویش استفاده کند. با این حال، استفاده زن از نام شوهر تا زمانی ادامه دارد که عقد ازدواج دوام داشته باشد. در نظام حقوقی ایران، براساس ماده ۴۲ قانون ثبت احوال «در صورت طلاق ادامه استفاده از نام خانوادگی موکول به اجازه همسر خواهد بود». بنابراین، با پایان رابطه ازدواج به وسیله طلاق، زن دیگر محق به استفاده از نام خانوادگی شوهر نخواهد بود؛ مگر آن‌که رضایت وی را به دست آورد. اما ازدواج ممکن است به شیوه‌های دیگری همانند مرگ و فسخ نیز

پایان یابد؛ آیا در این موارد نیز همچنان زن محق به استفاده از نام همسرش خواهد بود؟ در پاسخ به این پرسش، ممکن است گفته شود قانون‌گذار تنها در صورت «طلاق» ادامه استفاده از نام خانوادگی را موقوف به اجازه همسر کرده است و درباره موارد دیگر با آن‌که در مقام بیان بوده، سکوت کرده است؛ پس باید حق زن را در ادامه استفاده استصحاب کرد.^۱ طلاق نیز ویژگی‌های خاصی دارد که وحدت ملاک گرفتن از آن و ملحق کردن سایر موارد به حکم آن منطقی نیست؛ به ویژه در فرض فوت که به نوعی به موقعیت روانی همسر نیز آسیب می‌رساند و به تعبیری نگاه‌داری نام خانوادگی شوهر متوفی برای زن یادگاری مقدس محسوب می‌شود (امامی، ۱۳۵۷، ج ۴، ص ۲۰۴-۲۰۵).

در مقام بیان نظر مخالف، می‌توان گفت که عبارت صدر ماده پیش‌گفته با قید «تا زمانی که در قید زوجیت می‌باشد» به استفاده زن تا زمانی که در قید زوجیت است، تصریح دارد. با این حال، بر اساس بند ۲-۱۱ دستورالعمل مصوب شورای عالی ثبت احوال به تاریخ ۱۳۸۰، پس از فوت زوج، زوجه می‌تواند کماکان از نام خانوادگی همسر متوفایش استفاده کند؛ اما «پس از وقوع طلاق یا فسخ نکاح، در صورت درخواست یکی از زوجین، نام خانوادگی زوجه به نام خانوادگی قبلی خود برگشت داده می‌شود» (میرشکاری، ۱۳۹۲، ص ۱۲۲).

در حقوق آمریکا، چندان اختلافی در این مورد مشاهده نمی‌شود؛ در واقع، این باور پذیرفته شده است که زن در صورت طلاق، آزاد است که همچنان از نام خانوادگی شوهرش استفاده کند یا به نام نخستینش باز گردد (Rosensaft, 2002, 10, P.193).

ب - عدم نیاز به رعایت حق تقدم

در حقوق ایران، قانون‌گذار استفاده زوجه از نام خانوادگی همسرش را به اجازه مرد منوط کرده است، بی‌آن‌که نیازی به رعایت حق تقدم باشد. در توضیح این مطلب، نخست

۱- قوانین قبلی نیز تنها به مورد طلاق اشاره داشته‌اند؛ برای مثال ماده ۴۳ قانون اصلاح قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۱۹/۲/۲۲ مقرر می‌داشت: «هر گاه بین زن و شوهر تفریق قانونی واقع شود بقاء به نام خانوادگی شوهر برای زن منوط به اجازه شوهر است».

باید گفت قانون‌گذار در ماده ۴۱ ق.ث.ا. برای نام خانوادگی، حقی به نام حق تقدم را معرفی کرده است. در این ماده می‌خوانیم: «حق تقدم نام خانوادگی با رعایت تاریخ تقدم صدور اسناد مختص اشخاصی است که به نام آنان در دفاتر مخصوص نام خانوادگی ادارات ثبت احوال به ثبت می‌رسد و دیگری حق اختیار آن را در آن اداره ندارد مگر با اجازه حق تقدم و این حق پس از وفات به ورثه قانونی انتقال می‌یابد. هر یک از وراث می‌تواند شخصی که نام خانوادگی او را در اختیار کرده، مورد اعتراض قرار داده و تغییر نام خانوادگی او را از دادگاه بخواهد ولی وراث بالاتفاق می‌توانند به دیگری اجازه دهند که نام خانوادگی آنان را در اختیار نماید».

به این ترتیب، حق تقدم از آن کسی است که پیش از دیگران، سند سجلی به نام خانوادگی‌اش صادر شده و این نام در دفاتر مخصوص نام خانوادگی ادارات ثبت احوال به ثبت رسیده باشد. این حق، موجب ممنوعیت اختیار این نام برای دیگران می‌شود. همان‌گونه که در ماده ۴۱ ق.ث.ا. آمده است، حق تقدم نام خانوادگی «با رعایت تاریخ تقدم صدور اسناد» مشخص می‌شود. بنابراین، این حق، از آن شخصی است که پیش از دیگران، سند به نام خانوادگی وی صادر شده باشد؛ در نتیجه، صرف تقدم فرد در استفاده از نام خانوادگی موجب حق تقدم نخواهد بود؛ بلکه این استفاده باید در دفاتر مخصوص نام خانوادگی به ثبت رسیده باشد. پس اثبات حق تقدم از راه‌های دیگر شدنی نیست.

در تفسیر ماده مزبور به نحوی که با موضوع پژوهش حاضر مرتبط باشد، باید گفت در فرضی که تنها دارنده حق تقدم، همسر باشد، موافقت وی در استفاده زوجه از نام وی مشکلی نخواهد داشت؛ اما در حالتی که افزون بر همسر، دیگران نیز در نام خانوادگی حق تقدم داشته باشند، بهتر بود قانون‌گذار با توجه به لزوم رعایت منافع سایر صاحبان حق تقدم، به کسب اجازه از آنان نیز اشاره می‌کرد. در نظام حقوقی آمریکا چندان سابقه‌ای پیرامون این بحث مشاهده نمی‌شود و علی‌الاصول استلزامات مربوط به نحوه تغییر نام خانوادگی بر اساس قاعده کلی آزادی تغییر نام خانوادگی با رجوع به دادگاه و صلاحیت دادگاه در بررسی موردی بازنمایی می‌شود.

یافته‌های پژوهش

۱- در نظام حقوقی آمریکا، زنان مکلف بودند پس از ازدواج، نام خویش را به نام خانوادگی شوهر تغییر دهند؛ اما به تدریج و در سیری تاریخی، این تکلیف به یک حق و اختیار قانونی تغییر شکل داد. در نظام حقوقی ایران نیز در آغاز ترویج نام خانوادگی، نام خانوادگی زنان همان نامی بود که شوهر برای خویش انتخاب می‌کرد؛ اما ایرانیان نیز اندک‌اندک پذیرفتند که زنان آزادند نام خانوادگی پیشین خود را حفظ کنند یا به نام شوهر تغییر نام دهند. بنابراین، سیر تاریخی هر دو نظام مورد مطالعه، حرکت از سمت تکلیف به سوی حق به تغییر نام است.

۲- در روزگاری که زنان مکلف به تغییر نام به نام شوهران‌شان بودند، برای توجیه این اجبار، به دلایل مختلفی توسل می‌شد؛ مانند: عدم استقلال زن، حفظ پیشینه تاریخی خانواده‌ها، حفظ وحدت خانواده و در نهایت، عرف جامعه؛ اما به گمان نگارندگان مقاله حاضر، هیچ‌یک از مبانی گفته شده از قوت و اعتبار لازم برخوردار نبودند که امروزه بتوانند اجبار یاد شده را توجیه کنند.

۳- قوانین هر دو نظام حقوقی درباره استفاده مردان از نام همسرانشان سکوت کرده‌اند؛ ادبیات حقوقی هر دو کشور نیز به قواعد عمومی ارجاع می‌دهند؛ چنان‌که در حقوق آمریکا به صلاحیت عام دادگاه‌ها استناد می‌کنند و در حقوق ایران به قواعد عمومی استفاده از نام خانوادگی دیگری. این موضع مشترک قابل درک است؛ در واقع، نباید از یاد برد که با وجود همه تلاش‌های انجام گرفته برای حفظ برابری میان زن و مرد، هنوز در عرف، تغییر نام خانوادگی مرد به نام همسرش کمتر پذیرفته می‌شود و به چنین اقدامی به دیده سرزنش و ملامت می‌نگرند.

۴- در نظام‌های حقوقی ایران و آمریکا، با وقوع عقد ازدواج، زن از این حق برخوردار می‌گردد که با مراجعه به مراجع ذی‌صلاح ثبت احوال، به نام خانوادگی شوهرش، تغییر نام دهد یا همچنان از نام خانوادگی پیشین خویش استفاده کند. با این حال، استفاده زن از نام شوهر تا زمانی ادامه دارد که عقد ازدواج دوام داشته باشد.

منابع و مأخذ

- ❖ امامی، سید حسن، *حقوق مدنی*، ج ۴، تهران، اسلامیه، ۱۳۵۷
- ❖ کاتوزیان، ناصر، *مقدمه علم حقوق*، تهران، انتشار، چاپ سی و دوم، ۱۳۸۱
- ❖ میرشکاری، عباس و سیدجواد فرمهینی، *قانون ثبت احوال در نظم حقوقی کنونی*، تهران، جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۲
- ❖ میرشکاری، عباس، *حقوق ثبت احوال*، تهران، میزان، ۱۳۹۰
- ❖ *تبارشناسی حقوق ثبت احوال*، تهران، جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۳
- ❖ Claudia, Goldin & Shim Maria, *Making a Name: Women's Surnames at Marriage and beyond*, 18 J. ECON. PERSP. P. 140-45 (2004)
- ❖ Coquillet, Daniel R. *The Legal Education of a Patriot: Josiah Quincy Jr.'s Law Commonplace*, 39 ARIZ. ST. L.J. P.317- 346 (2007).
- ❖ Doll, Cynthia Blevins, *Harmonizing Filial and Parental Rights in Names: Progress, Pitfalls, and Constitutional Problems*, 35 HOW. L.J. P. 227-239 (1992).
- ❖ Emens, Elizabeth F. *Changing Name Changing: Framing Rules and the Future of Marital Names*, The University of Chicago Law Review, Vol.74, Number.3, REV. P.761-783, (2007).
- ❖ Frandina, Michael Mahoney, *A Man's Right to Choose His Surname in Marriage: a Proposal*, Duke Journal of Gender Law & Policy Volume 16:155.p. 155-169(2009)
- ❖ Gorence, Patricia J. *Women's Name Rights*, Marquette Law Review, Volume 59, Issue 4, P.850-883.(1976).
- ❖ Kelly, Lisa, *Divining the Deep and Inscrutable: Toward a Gender-Neutral, Child-Centered Approach to Child Name Change Proceedings*, 99 W. VA. L. REV. 1, 9 .p.225-274(1996).
- ❖ Lamber, Julia C. *A Married Woman's Surname: Is Custom Law?* Washington University Law Review, Volume 4, P.779-818 (1973)
- ❖ Leissner, Omi Morgenstern, *The Name of the Maiden*, 12 WIS. WOMEN'S L.J. P.253-263(1997)

- ❖ Ritterbusch, Catherine A., *In the Name of the Father: Wisconsin's Antiquated Approach to Child Name Changes in Post-Divorce and Paternity Proceedings*, Marquette Law, vol.83. P.279-297 (1999)
- ❖ Rosensaft, Michael, Comment, *The Right of Men to Change Their Names upon Marriage*, 5 U. PA. J. CONST. L. 186, P.193-94 (2002).
- ❖ Scheuble, Laurie K. & David R. Johnson, *Women's Marital Naming in Two Generations: A National Study*, 57 J. MARRIAGE & FAM. P.724-727 (1995)
- ❖ Siegel, Reva B. *She the People: The Nineteenth Amendment, Sex Equality, Federalism, and the Family*, HARV. L. REV. 115 n.101. P.947- 983 (2002)
- ❖ Snyder, Kelly, *All Names Are Not Equal: Choice of Marital Surname and Equal Protection*, Journal of Law & Policy [Vol. 30, P.561-587(2009)
- ❖ Spencer, Margaret Eve, *A Woman's Right to Her Name*, 21 UCLA L. REV. P.665-684 (1973)
- ❖ Twenge, Jean M. "*Mrs. His Name*": *Women's Preferences for Married Names*, 21 PSYCH. WOMEN Q. P.417-425 (1997).
- ❖ Weiner, Merle H. *We Are Family: Valuing Associationalism in Disputes over Children's Surnames*, 75 N.C. L. REV. 1625, P.1735-1760 (1997)

دراسة تغيير اسم عائلة الزوجة بعد الزواج في القانونين الإيراني و الأمريكي^١

عباس ميرشكاري^٢

سيد جواد فراهاني^٣

الملخص

يعد الاستقلال في الاسم العائلي (الشهرة) من رموز استقلال شخصية الانسان، لأن لكل شخص مستقل اسم مختص، و يعرف به. من هذا المنظر حاولت القوانين السائدة في ايران وامريكا ساعيةً علي حصول الزوجة علي اسم عائلي مستقل، بصفته قسم من هويتها الفردية لكن لم يتحقق هذا الأمر في معظم الأحيان. و النظام الإجباري الذي كان سائداً في أمريكا إلى نهاية السبعينيات من القرن الماضي، هو تغيير اسم عائلة الزوجة إلى اسم عائلة الزوج. و أما في القانون الإيراني لم يكن تغيير الإسم إلى اسم الزوج حتى سنة (١٣٥٥ هـ - ١٩٧٦ م) قانوناً اجبارياً، لكن الزوج حتى تلك السنة كان يستطيع اختيار الاسم العائلي لأسرته (مثلاً زوجته). و قد تغير كلا النظامين؛ فقبل القانون الأمريكي في بداية السبعينيات من القرن الماضي حرية المرأة بعد زواجها بتغيير اسمها الي اسم عائلة زوجها. و لم يُشاهد في ايران أثراً من الإجبار في اختيار اسم عائلة الزوج العائلي، و خاصة بعد امتلاك كل شخص لإسم عائلة خاص به. و ايضا نري امكانية اختبار الاسم العائلي للزوجة كحق قانوني و علي الاقل خاص للمرأة في كلا القانونين الإيراني و الأمريكي و ذلك لحفظ استقلالها. تتناول هذه المقالة القانون السائد علي تغيير اسم عائلة الزوجة بعد زواجها في القانونين الإيراني و الأمريكي معتمدة علي المنهج المقارن.

الكلمات المفتاحية

حقوق المرأة، حق التمتع بالاسم العائلي، حق تغيير(استبدال) الاسم العائلي، التساوي القانوني، حق الهوية

المستقلة

١- تاريخ الاستلام: ١٤٣٥/٢/١٢؛ تاريخ القبول: ١٤٣٦/٧/١٣

٢- استاذ مساعد قسم الحقوق جامعة علم و فرهنگ

٣- خريج ماجيستر حقوق الانسان جامعة طهران

mirshekariabbas1@gmail.com

javadfaraiani1@gmail.com